شواهد تواتر قراءات و اهمیت سماع از استاد در قراءات در کلام سید مرتضی

سید کتابی دارند به نام «الذخیره فی علم الکلام». در نرم‌افزار کلام هست. در نرم‌افزار مجموعه کتاب‌های سید مرتضی هم آمده است. صفحه سیصد و شصت، می‌فرمایند:

> فان قيل: كيف يكون أحد الامرين كالآخر و الامامية تدّعي تغييرا في القرآن و نقصانا، و كذلك حشوية أصحاب الحديث؟
>
> قلنا: قد بيّنا صحة نقل القرآن في المسائل الطرابلسيات، و أنه غير منقوص و ال مبدّل و ال مغيّر، و أن العلم بأن هذا القرآن الذي في أيدينا هو الذي ظهر على يد رسول اللّه «ص» كالعلم بالبلدان و الحوادث الكبار و الوقائع العظام، و الكتب المصنفة المشهورة، و الاشعار المدونة.
>
> و ذكرنا أن العناية اشتدت بالقرآن و الدواعي توفرت على نقله و حراسته و بلغت الى حدّ لم يبلغه في نقل الحوادث و الوقائع و الكتب المصنفة، لأن القرآن معجز النبوة، و أصل العلم بالشريعة و الاحكام الدينية. و كل شيء دعا الى نقل جميع ما تقدم حاصل فيه، و يستبدّ بدواع الى النقل ليست في الحوادث و ما أشبهها، و أن علماء المتكلمين بلغوا في ضبطه و حمايته، و ان عرفوا كل شيء اختلف فيه من اعرابه و القراءات المختلفة في حروفه حتى فرّقوا بين ما روي و عرف، و بين ما لم يذكر و لم يسطر. فكيف يجوز أن يكون مغيّرا أو منقوصا مع هذه العناية الصادقة و الضبط الشديد؟[1]

«... قلنا: قد بيّنا صحة نقل القرآن في المسائل الطرابلسيات...»؛ تا اینجا که می‌فرمایند: **«و أن علماء المتكلمين بلغوا في ضبطه و حمايته، و ان عرفوا كل شيء اختلف فيه من اعرابه و القراءات المختلفة في حروفه»**؛ اینجا منظور من است. این عبارت سید خیلی مهم است. من باراه گفته‌ام وقتی این عبارت را در کلام سید دیدم گفتم حتماً آن را بگویم. چیزهایی که وقتی به‌دنبال آن می‌روید برای شما واضح می‌شود، تصریح به آن در کلمات این اجلّه علماء آمده است. آن هم علمائی که آن زمان واقعاً بحری از علم بودند. وقتی کتاب‌های سید را می‌بینیم می‌فهمیم. می‌فرمایند: **«حتى فرّقوا بين ما روي و عرف، و بين ما لم يذكر و لم يسطر»**؛ می‌گویند خصوصیات قرآن به قدری با دقت ضبط شده که اگر یک کلمه‌ای را که پنجاه جور می‌توانند بخوانند، اگر پنج جور خواندند، پنج جورش با سند و با حساب بین مسلمین مسطور است، با بقیه آن‌ها مقابله می‌کنند. یعنی چه؟ یعنی بناء مسلمین بر محافظت بر

سماع بوده. استاد باید بگوید از استادم شنیدم. نه اینکه خودم در جیبم دست کردم و قرآن را به این صورت خواندم. «ليكون لهم عدوا وحربا»[2] را چه کسی خواند؟ خوب هم هست. به این می‌گفتیم که دارد از روی مصحف می‌خواند. سواد فی الجمله هم داشت. حمام راویه بود؛ استاد ندیده بود و متخصص در قرائت بود؛ قرائت یعنی خطوط. قرآن را می‌گرفت و خودش می‌خواند. چون استاد ندیده بود همه به او تهاجم می‌کردند. شما از کجا اینها را در آوردهای؟! اینها برای خودت است. اینطور خواندهای! ببینید چقدر مواظبت کاری بوده که از سماع باشد! لذا سید فرمودهاند: «حتی فرّقوا بين ما روي و عرف». یعنی «عرف بين المسلمين بانه كلام الله و بين ما لم يذكر و لم يسطر».

«فكيف يجوز»؛ حال که به این صورت عنایت داشتند، **«أن يكون مغيّرا أو منقوصا مع هذه العناية الصادقة و الضبط الشديد؟».** این هم عبارتی بود که از ایشان در الذخیره بود.

---

[1] الذخيرة في علم الكلام ۳۶۱

[2] تصحيفات المحدثين (۱/ ۱۴۷)

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 12:33:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 ژوئن 2024 13:12:31 توسط ... .